

هفده گفتار

در

علوم قرآنی

از سه مفسر گرانمایه

شیخ ابوالفتوح رازی

ملا محسن فیض کاشانی

شیخ محمد جواد بلاغی

ترجمه و تحقیق

سید حسین حسینی

حسینی، سید حسین، ۱۳۲۵ -

هفده گفتار در علوم قرآنی / از سه مفسر گران قدر شیعی: ابوالفتح رازی، ملا محسن فیض کاشانی، محمدجواد بلاغی، مترجم سیدحسین حسینی. - تهران: نشر آفاق، ۱۳۹۴.

۲۴۴ ص - (علوم قرآن: ۳) ISBN 978 - 964 - 8918 - 44 - 1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا. کتاب نامه: به صورت زیر نویس.

HEFDAH GOFTAAR DAR 'OLOME QOR'AANI

ص. ع. لاتینی شده:

(Seventeen Discourses in Qur'anic Sciences)

۱. قرآن - علوم قرآنی، ۲. فیض کاشانی، ملا محسن، ۳. بلاغی، محمدجواد، ۴. ابوالفتح رازی.

الف. حسینی، سید حسین - مترجم.

۴۹۷/۱۵
۳۷۴۹۳۲۹



BP۶۹/الف ۷۱۳۹۲
کتابخانه ملی ایران



نشر آفاق

تهران: خ پاسداران، خ شهید گل نبی، نبش جنوبی خیابان ناطق نوری، پلاک ۱۹ ساختمان زمرد)، طبقه ۲ - کد پستی ۱۹۴۷۹۴۶۶۶۶ - تلفن: ۲۲۸۴۷۰۳۵ - فاکس: ۲۲۸۵۵۹۰۷

E-mail : info@afagh.org

www.afagh.org

هفده گفتار در علوم قرآنی

مترجم: سید حسین حسینی

چاپ اول: ۱۳۹۴ ش. ۱۰۰۰ نسخه

ویراستار: محمد مهدی مجیدی

طراح جلد: محمدرضا هادوی

حروف چینی و صفحه آرایی: سپاهی

صحافی: فرنو

حق شرعی و قانونی هر نوع چاپ و تکثیر فقط برای ناشر محفوظ است.

ISBN 978 - 964 - 8918 - 44 - 1

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۸-۴۴-۱

با ارسال پیامک به شماره ی ۰۲۱۲۲۸۴۷۰۳۵ از تازه های نشر اطلاع یابید.

3230000

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَعْتَنِيْ عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي اُنْزِلَتْهُ نُوْرًا وَّ جَعَلْتَهُ مُهَيْمِنًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ اُنْزِلَتْهُ، وَ فَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيْثٍ قَصَصْتَهُ... اُنْزِلَتْهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّوْاَتُكَ عَلَيْهِ وَّ اٰلِهِ تَزْوِيْلًا.

بارالاه! مرا یاری کردی تا تلاوت کتاب تو را به پایان رسانم؛ کتابی که آن را مایه‌ی روشنی و روشننگری فرستادی و بر تمامی کتب آسمانی چیره‌اش ساختی و بر هر سخن ربّانی دیگری برترش داشتی... و آن را بر پیامبرت محمد که درود تو بر او خواندانش یاد به تدریج فرستادی.

خدایا! قرآن را نوری قرار دادی که ما را از تاریکی جهل و گمراهی به راه می‌آورد و درمان درد کسانی ساختی که گوش هوش به پیامش می‌سپارند. آفریدگار! کتاب خود را میزان درستی قرار دادی که هرگز از بیان حق دور نمی‌گردد و هدایتی روشنگر ساختی که به خاموشی نمی‌گراید.

پروردگار! قرآن، پرچم نجاتی است که پیرو سنت آن گمراه نگردد و هر که به ریسمان آن درآویزد از هلاک به دور ماند.

بارالاه! اینک که بر تلاوت آن ما را یاری کردی و با بیان نیکویش گره از زبان ما گشودی، پس ما را از کسانی قرار ده که به نحو شایسته نگهدارش و در برابر آیات محکمه‌اش تسلیم‌اند و به متشابهاتش اقرار دارند.

خدایا! بر محمد که قرآن را خطاب به او نازل فرمودی و بر خاندان پاک وی - که گنجینه دار حقایق قرآن اند - درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که آن را کلام تو می شناسند تا در تصدیق آن به تردید نیفتیم و در پیمودن راهش زنگاری بر آئینه ی خاطرمان ننشینند. آفریدگارا! همان گونه که به وسیله ی قرآن، پیامبرت محمد را درفش هدایت به سوی خود معین فرمودی و خاندانش را روشنگران راه خشنودی خویش قرار دادی، پس بر او و آن ها درود فرست و کتاب خود را مایه ی رسیدن ما به شریف ترین رتبه های بزرگ منشی گردان... و در شب های تیره و تاری زندگی، قرآن را انیس و مونس ما بدار تا از خطر و سوسه و اغوای شیطان نگاهمان دارد و در لغرش گام های ما به سوی عصیان و زبان هایمان به سوی گزافه ها، پاسدارمان باشد...^۱

پروردگارا! ما را در تلاوت و ختم و فهم قرآن، از پیروان اهل بیت علیهم السلام قرار ده و در مناجات با خودت ما را یاری کن که هم چون امام سجّاد علیه السلام با تمام وجود از ژرفای جان با تو سخن گوئیم و لذّت و حلاوت مناجات تو را بچشیم و جملات و گفته های آن بزرگوار را بر زبان و قلبمان جاری فرما و ادب در دعا و خواندن و خواستن را به ما بیاموز تا هم چون اولیای گرامیت، در درگاه تو بندگی کنیم.

مقالاتی که پیش رو دارید، مقدمه هایی است برای قرائت، فهم و انس با قرآن؛ آن کلام دل نشین حق تعالی. بنابراین، دیگر مقدمه ای برای مقدمه معنی ندارد؛ جز همان که به خاطر رسید که از مناجات های سید الساجدین و زین العابدین علیه صلوات الله الملك المنان بهره گیریم. امید که خداوند همه ی ما را از پیروان حقیقی آن حضرت و آبای کرام و ابنای گرامیش قرار دهد.

در این جا، تذکر نکته هایی چند ضروری است:

- ۱- زمینه ی توفیق این بنده در ترجمه ی مقالات، محفلی بود گرم و پُر صفا، با برادرانی پُر شور و با وفا که هفته ای یک بار تشکیل می شد و یکی از برنامه های آن به عنوان آشنایی با

۱. تلخیصی از دعای چهل و دوم صحیفه ی سجّادیه ی امام زین العابدین علیه السلام.

علوم قرآنی، درس مقدمات تفسیر صافی مرحوم فیض کاشانی بود. آن عزیزان به جهت آشنا نبودن با زبان قرآن (عربی) خواستار ترجمه‌ی مقالات شدند. لذا هر هفته به اندازه‌ی درس جلسه، مقالات یکی پس از دیگری ترجمه می‌شد و در محفل درس قرائت می‌گردید. بعضی دوستان دیگر، پیشنهاد کردند که این ترجمه‌ها تنظیم و نشر گردد تا دیگر دوستان و مشتاقان قرآن نیز بهره ببرند. این کار با تجدید نظر و مختصر توضیحی در برخی موارد، انجام و آماده‌ی چاپ شده بود که در این اثنا به مقالات مهم و مفید دیگری برخوردیم که حاوی مطالب سودمند و عمیق پیرامون مسائل قرآنی بود؛ مانند مقدمه‌ی تفسیر نفیس آلاء الرحمن علامه بلاغی و دو مقاله در کتاب ارزشمند المَحَجَّةُ البیضاء. لذا آن مقالات ترجمه شد. هم‌چنین مقاله‌ای از مقدمه‌ی تفسیر روض الجنان و روح الجنان^۱ نوشته‌ی ابوالفتوح رازی با تغییر اندکی در عبارات به این مجموعه اضافه گردید.

۲- کارهایی که در ترجمه‌ی مقالات انجام شده، به شرح زیر است:

الف. در ترجمه سعی شده عبارات ساده و روان باشد و توضیحات اضافی نیز میان کروشه قرار داده شده تا از ترجمه‌ی اصل متن امتیاز یابد.

ب. یازده مقاله از مقدمات تفسیر صافی و سه مقاله از مقدمات تفسیر آلاء الرحمن و دو مقاله از کتاب المَحَجَّةُ البیضاء گزینش و یک مقاله نیز از مقدمات تفسیر ابوالفتوح رازی ویراستاری و ساده‌نویسی و مدرک‌یابی شده است.

ج. کار عمده در مورد یازده مقدمه‌ی تفسیر صافی مدرک‌یابی بوده است؛ زیرا مرحوم

۱. از این تفسیر دو چاپ تحقیق شده به مشخصات زیر موجود است:

الف. تفسیر رُوح الجنان و رُوح الجنان، تصنیف: جمال الدین شیخ ابوالفتوح رازی، تصحیح و حواشی: مرحوم آیه‌الله میرزا ابوالحسن شعرانی، [تهران]: کتاب‌فروشی اسلامیّه، ۱۳۸۲ ق. ۱۲ جلد.

ب. رُوض الجنان و رُوح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهور به تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی. تألیف: حسین بن علی نخعاعی نیشابوری، به کوشش و تصحیح: دکتر محمدجعفر یاحقی / دکتر محمد مهدی ناصح، [مشهد]: آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۲۰ جلد.

هم‌چنان‌که ملاحظه می‌شود در این دو چاپ تفاوتی به نام‌های مختلف نام‌گذاری شده که به نظر می‌رسد نام اخیر صحیح‌تر باشد.

فیض احادیثی را از کتب شیعه یا اهل سنت نقل کرده که تنها نام کتاب را برده یا به لفظ «روایت شده» اکتفا کرده است. در جست‌وجوی مدارک این احادیث از کتب پیشینیان، وقت بسیاری صرف شد و البته در چند مورد معدود، مدرک حدیث به دست نیامد.

د. در ابتدا شرح حال مختصری از نویسندگان مقالات با رعایت تقدّم تاریخی آورده شده است تا خوانندگان، آشنایی مختصری با آن بزرگان و موقعیت علمی آنان در میان دانشمندان شیعه به دست آورند.

۳- در پایان اذعان می‌دارم که با تمام دقتی که در کار ترجمه شده، بی‌گمان لغزش‌هایی نیز پدید آمده است. امید آن که اهل دانش با تذکرات سازنده‌ی خود سبب شوند تا این موارد در چاپ‌های بعدی اصلاح گردد.

به عنوان عرض ادب و عذرخواهی به ساحت معلّم حقیقی قرآن، مولی الموالی، بقیة العترة الطاهرة، حضرت ولی الله الاعظم، صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه می‌گوییم:

«يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ! مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ، وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ؛

فَأَوْفِ لَنَا الْكَفِيلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا؛ إِنَّ اللَّهَ يَحْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ.»^۱

و باز بان سوزناک و آهنگین دوستداری خاکسار عرضه می‌داریم:

تجلی کن که عمرم در خزان است	ببرستوی دلم سویت پیران است
مرا از کین دشمن، طعنهی دوست	هزاران درد و غصّه در روان است
تجلی کن شها بر دیده‌ی من	ببرون کن تیرگی‌ها از دل من
که از هجر زخمت در گلشن عشق	نشد جز غصه‌ی دل حاصل من

تهران - ۱۸ ربیع المولود ۱۴۱۰

۲۷ مهر ۱۳۶۸

سید حسین حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

اساس دين پر خبردارى و خبردهى از خداست. اين خبردارى و خبردهى به وسيله‌ى دوگونه كتاب به ما رسيده است: يکى كتاب صامت که قرآن کریم است و ديگرى كتاب ناطق که پيغمبر ﷺ است؛ البته كتاب ناطق كتاب صامت را بيان مى فرمايد:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^۱

﴿وذكر (= قرآن) را به سوى تو فرو آورديم تا بر مردمان - آن چه را براى آنها نازل شده است - تبیین کنی.﴾

از اين آيه بر مى آيد که تبیین نبوى آيات قرآن کریم از اصول اساسى فهم قرآن است؛ ولى مکتب خلفا همواره کوشيده است که اين شأن پيامبر اکرم ﷺ را کتمان کند؛ در حالى که آن حضرت در جای جای ۲۳ سال پيامبريشان... حديث نقلين را تکرار کرده اند:

«إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي. لَنْ تَضِلُّوا مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ».

در حديث فوق، حضرت رسول اکرم ﷺ بر اين نکته که مادامی که به «اين دو» متمسک شويد گمراه نمى شويد، تأکيد مى کنند.

آن رسول گرامی حدود ۷۰ روز قبل از شهادتش، در خطابه‌ی بلند غدیر فرمودند:

«... هان... ای مردمان! در قرآن تدبیر کنید؛ به محکماًتش بنگرید و از متشابهاتش پیروی نکنید. به خدا سوگند، تنها کسی که باطن‌ها و تفسیر این قرآن را برای شمار و شن می‌کند، همین کس است که الآن دست و بازوی او را گرفته و بالا آورده‌ام و اعلام می‌دارم: هر که من سرپرست اویم، این علی سرپرست اوست؛ او علی، فرزند ابوطالب و برادر و وصی من است؛ ولایت او حکمی از سوی خداست که بر من فرو فرستاده است.

هان... ای مردمان! علی و پاک فرزندان من از نسل او، یادگار گران سنگ کوچک ترند و قرآن، یادگار ارزشمند بزرگ تر. هر یک از این دو از هم راه خود خبر می‌دهد و با آن سازگار است. آن دو هرگز از یک دیگر جدا نمی‌شوند... تادر کنار جوض کوثر، بر من وارد شوند.

... هان... ای مردمان! این علی برادر و وصی و نگاهبان دانش من است و در میان امت و ایمان آورندگان به من و در تفسیر کتاب خدا، جانشین من است. او مردم را به سوی خدا می‌خواند و به آن چه موجب خشنودی اوست، عمل می‌کند...»^۱

این که امیر مؤمنان علیه السلام حلیقه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر کتاب خدا دانسته شده است، بدین معناست که تنها آن حضرت باید قرآن را تفسیر کند. کسی به تنهایی نمی‌تواند محکم و متشابه قرآن را بشناسد؛ این علم را باید از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام آموخت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در طول ۲۳ سال نه تنها قرآن را می‌خواندند بلکه خود، آن را توضیح نیز می‌فرمودند. این توضیحات بخشی از میراثی است که با عنوان احادیث شناخته شده است.

۱. «مَعَايِرُ النَّاسِ! تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انْظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ. قَوْلُ اللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَنْ يُوَضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُصْعِدُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلُ بَعْضِهِ وَ رَافِعُهُ بِيَدَيَّ وَ مُعَلِّمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ مَوْلَايَ مِنْ اللَّهِ- عَزَّ وَجَلَّ- أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَايِرُ النَّاسِ! إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وَلَدِي مِنْ صَلْبِهِ هُمْ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ. فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهَا مُنْبِئٌ عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ. لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

... مَعَايِرُ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ وَا عِي عَلَمِي وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلَى مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ- عَزَّ وَجَلَّ- وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ.

پس از روی کار آمدن خلفا، جلوی نشر حدیث گرفته شد؛ احادیث را جمع کردند و سوزاندند! به‌طور کلی پس از پیغمبر ﷺ دستگاه هیئت حاکمه چهار حصر برای اهل بیت ﷺ ایجاد کرد: سیاسی و علمی و اقتصادی و عاطفی. از نظر سیاسی نگذاشتند امیرالمؤمنین ﷺ خلیفه شود. از جهت علمی نشر و تدوین حدیث را ممنوع ساختند. از نظر اقتصادی تمام اموال اهل بیت ﷺ را مصادره کردند؛ خمس، فیه، انفال و ... را غصب کردند و حق اختصاصی حضرت زهرا ﷺ را که فدک بود، نیز گرفتند. ضربه‌ی دردناک آخر هم تیرهایی بود که عواطف عترت پیامبر اکرم ﷺ را هدف قرار داد؛ به حضرت صدیقه‌ی طاهره ﷺ جسارت‌ها کردند؛ به گردن شاه ولایت ﷺ ریسمان انداختند و ... و این‌گونه تا زمان امام حسن عسکری ﷺ ادامه دادند.

فدک ملک اختصاصی حضرت صدیقه‌ی طاهره ﷺ بود که رسول اکرم ﷺ آن را به دخت‌گرامی خود هدیه داده بودند. تنها ده روز پس از شهادت پیامبر ﷺ آن را تصرف کردند. حضرت فاطمه ﷺ هر چه تلاش کردند، نتیجه نگرفتند؛ لذا با جمعی از زنان خدمه و خویشاوندان خود به مسجد رفتند و خطبه‌ای خواندند که به خطبه‌ی فدک معروف شد. این خطبه بازخوانی و واگویی‌ای از خطابه‌ی غدیر است؛ به این معنا که پیامبر ﷺ در خطابه‌ی غدیر، فشرده‌ای از اعتقادات اسلامی و بسیاری از اخلاقیات و بعضی از احکام را بیان فرمودند؛ حضرت زهرا ﷺ نیز همین کار را انجام دادند. آن حضرت ﷺ در این خطبه در مورد قرآن، جملات عجیبی فرمودند که بخشی از آن چنین است:

«ما یادگارها و باقی‌مانده‌های پیامبر خدا ﷺ در میان شمایم. کتاب گویای خدا و قرآن راستینش، نور درخشان خدا و پیر تو تابانش، با ما و هم‌راه ماست. کتابی که بصیرت‌های آشکار و نهانی‌های آیاتش روشن است و ظواهر آن برهانی است که بر حقایق ما تجلی می‌کند. امکان شنیدنش برای همگان پیوسته و دائمی است. پیروانش بدان، شادند. پیرویش به‌سوی رضوان رهنماست. آن که گوش هوش به آن فرادارد، رهایی یابد.»^۱

۱. «و نَحْنُ بَقِيَّةُ اسْتِخْلَافِهَا عَلَيْكُمْ، وَ مَعَنَا كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النَّوْرُ السَّاطِعُ، وَ

عبارت « کتابی که بصیرت هایش آشکار و نهانی‌های آیاتش روشن است و ظواهر آن برهانی است که بر حَقانیت ما تجلی می‌کند » به این معناست که بواطن آیات، پس از تبیین و توضیح پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روشن می‌شود. احادیث بسیاری از ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام نقل شده است که می‌فرمایند:

«همه‌ی قرآن نزد ماست.»

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

«کسی غیر از اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌تواند ادعا کند که همه‌ی مطالب قرآن نزد اوست.»^۱

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«همانا خداوند ولایت ما اهل بیت را قطب قرآن و تمامی کتب آسمانی قرار داده است و محکومات قرآن بر محور آن می‌چرخند. همه‌ی کتب به وسیله‌ی آن دارای سرمایه شدند و ایمان با آن مشخص می‌گردد.»^۲

آن حضرت در روایت دیگری فرموده‌اند:

«هر آن چه دو تن درباره‌ی آن اختلاف داشته باشند، ریشه‌ای در کتاب خدا دارد؛ اما عقل مردم به آن نمی‌رسد.»^۳

بدیهی است که اصل و ریشه‌ای که امام صادق علیه السلام در روایت فوق فرموده‌اند، باید تبیین و توضیح داده شود.

←

الضیاء اللامع، بینه بصائرُهُ، و آی مُنْكَشَفَةٌ سرائِرُهُ، و بُرْهَانٌ فینا مُتَجَلِّیَةٌ ظواهرُهُ، مُدِیمٌ لِلدِّرَیَّةِ اسْتِیَاعُهُ، مُعْتَبَرَةٌ بِهٖ أشیاعُهُ، قَانِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِیَاعُهُ.»

۱. «ما یَسْتَطِیعُ اخْدَ أَنْ یَدْعَی أَنْ عِنْدَهُ جَمِیعُ الْقُرْآنِ كُلِّهِ ظَاهِرُهُ وَ بَاطِنُهُ غَیْرُ الْأَوْصِیاءِ.» الْأُصُولُ

من الکافی ۱: ۲۲۸، ح ۲.

۲. «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَا یَتَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ وَ قُطْبَ جَمِیعِ الْکُتُبِ؛ عَلَیْهَا یَسْتَدِیرُ مُحْکَمُ الْقُرْآنِ

و بِهَا نُوْهَتْ الْکُتُبُ وَ یَسْتَبِینُ الْإِیمَانُ.» تَفْسِیرُ الْعِیَاشِی ۱: ۵، ح ۹.

۳. «ما مِنْ أَمْرٍ یَخْتَلِفُ فِیهُ اثْنَانِ إِلَّا وَ لَهُ أَضْلُ فِی کِتَابِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَ لَکِنْ لَا تَبْلُغُهُ عُقُولُ

الرِّجَالِ.» الْأُصُولُ مِنَ الْکَافِی ۱: ۶۰، ح ۶.

برای دستیابی به معارف بلند آیات قرآن، باید به ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام مراجعه و تمسک کرد. قرآن کریم به ما دستور می‌دهد نماز به جا آوریم؛ اما از جزئیات آن سخنی به میان نمی‌آورد. در مورد حج هم همین طور است. در این موارد، آیات قرآن نیازمند معلم است تا مکلفان در پیدا کردن وظیفه‌ی خود، دچار سرگردانی نشوند. چگونه می‌توان این حقیقت را در چنین مواردی از فروع احکام، که فقه اصغر است، پذیرفت؛ اما در اصول اعتقادات، که مهم‌تر از آن و فقه اکبر است، مراجعه به معلم قرآن را بی‌مورد و غیر ضروری دانست؟



خواننده‌ی عزیز، نوشتاری که در برابر دیدگان شما قرار دارد، نخستین بار حدود ۲۵ سال و دیگر بار حدود ۱۵ سال پیش منتشر گردید. در آن دو چاپ، دو یادگار ماندگار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام، خطابه‌ی غدیر و خطبه‌ی فدک، مورد غفلت قرار گرفته بودند؛ اما با توجه به آن که در این دو خطابه، به طور مفصل به آیات قرآن کریم استناد شده است، نگارنده بر آن شد که در چاپ جدید کتاب، مقدمه‌ای آوزد که نمایانگر این حقیقت باشد.

گفتنی است که در این چاپ، به رغم کم‌بضاعتی، سعی شده است:

✓ بر چاپ پیشین کتاب، تنها تغییرات تقریباً ضروری اعمال شود و حال و هوای آن حفظ گردد.

✓ با آرایش بهتر صفحات و استفاده از حروف متنوع، به پیام‌رسانی و جاذبه‌داری اثر کمک شود.

✓ چاپ جدید با چاپ قبلی مقابله گردد تا مطلبی از قلم نیفتاده باشد.

✓ با مراجعه به مصادر تک‌تک روایات، در صورت لزوم، اعراب و حرکت‌گذاری کلمات، اصلاح گردد.

✓ احادیثی که در چاپ قبلی، مدرک و مأخذ آن‌ها به دست نیامده بود، با استفاده از ابزار روز، مدرک‌یابی شود.

✓ چاپ جدید با مصدر اصلی نیز مقابله گردد تا اطمینان حاصل شود که اگر در چاپ پیشین، کلمه یا عبارتی به اشتباه تایپ شده است، در این چاپ اصلاح گردد.

سزاوار است از همه‌ی عزیزانی که در نشر این اثر، یاری‌رسانی کردند تشکر و سپاس‌گزاری گردد. امید است که این تلاش مورد قبول خداوند عزوجل و عنایت و لیش ارواحنا فداه قرار گیرد.

www.ketab.ir